



ویژه نامه
شهادت امام سجاد



ویژه نامه شهادت امام سجاد(ع)



فضایل قرآنی سید الساجدین(ع)

دوران امامت امام سجاد(ع) در شرایطی آغاز شد که جامعه اسلامی از هر سو، دچار مشکلات عدیده اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی بود. آن امام همام، در دوران پراختناق عصر اموی، تمام تلاش و کوشش خود را برای معرفی و آموزش آموزه‌های ناب اسلامی به مردم، به کار گرفت. نمونه‌ای از این کوشش‌ها را می‌توان در ادعیه تأثیرگذاری که از آن حضرت باقی مانده و به دست ما رسیده است، مشاهده کرد. امام سجاد(ع)، در عمل و رفتار نیز، همچون دیگر ائمه معصومین(ع)، الگو و مصداقی تمام عیار از انسان کامل محسوب می‌شود. تطبیق سیره آن حضرت با آموزه‌های قرآنی، شاهدی بر این مدعاست. زنده‌یاد، علامه سید جعفر شهیدی، در کتاب ارزشمند «زندگانی علی بن الحسین(ع)»، ضمن اشاره به سیره و روش زندگی امام زین العابدین(ع)، به فراخور بحثی که ارائه کرده‌است، در بخشی از کتاب، به تطبیق سیره آن حضرت با آموزه‌های قرآنی می‌پردازد. آنچه در پی می‌آید، فرازهایی از این کتاب ارزشمند است.

بردباری و فرو خوردن خشم

« وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ » (آل عمران - ۱۳۴)؛ خشم خود را بر خود چیره نکردن، بخشودن خطاکاران و شفقت بر ناتوانان، از خصلت‌های خاص و شناخته‌شده [رسول خدا(ص) است؛ تا آن جا که قرآن او را به این خوی نیکو ستوده است: «وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم - ۴)]. همه فرزندان او که پیشوایان امت‌اند، از این مزیت برخوردارند و علی بن الحسین(ع)، چهره درخشان این صفت عالی انسانی است. روزی کنیزی، بر دست او آب می‌ریخت؛ ناگاه ظرف آب از دستش افتاد و جراحی بر امام(ع) وارد شد. کنیز گفت: خدا می‌فرماید «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ»! امام(ع) فرمود: خشم خود را فرو خوردم! کنیز افزود: «وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»! امام(ع) پاسخ داد: خدا از تو بگذرد! باز کنیز گفت: «وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»! امام سجاد(ع) تبسمی کرد و فرمود: تو را در راه خدا آزاد کردم. امام سجاد(ع) نه تنها با انسان‌ها، بلکه با جانداران نیز مهربان بود. شتری داشت که با



ویژه نامه شهادت امام سجاد



علم را از خزانه پروردگار و بلاغت را از جدش حیدر کرار، به ارث برده بود. نگاهی به صحیفه سجادیه و دقت در مضمون فقره های دعای معروف به ابوحمزه، هر متتبع را از جست و جوی فراوان در این باره، بی نیاز می کند. رأی ثاقب او، گره گشای درماندگان در مسائل فقهی بود. شهاب زهری (از محدثان مشهور اهل سنت) می گوید: «پس از آن که مدتی نزد عبدالملک بن مروان (خلیفه اموی) به سر بردم، قصد مدینه کردم. غلامی داشتم و مالی فراوان با من بود که در کیسه ای گذاشته بودم. آن کیسه گم شد و من غلام را به دزدی متهم و به وعده و وعید امیدوار کردم و ترساندم، سودی نداشت. غلام را بر زمین افکندم و بر سینه اش نشستم و آرنج خود را بر سینه او نهادم و فشردم، اما نمی خواستم او را بکشم. با این حال، بر اثر این فشار، غلام مُرد. من ترسیدم. چون به مدینه رسیدم، از سعید بن مسیب و ابوعبدالرحمن و عروه بن زبیر و قاسم بن محمد و سالم بن عبد... پرسیدم که چه باید کرد؛ همه گفتند که توبه تو پذیرفته نیست. چون خبر به علی بن الحسین (ع) رسید، فرمود: او را نزد من بیاورید. نزد او رفتم و داستان خود را به حضرتش گفتم، فرمود: گناه تو، توبه دارد. دو ماه پی در پی روزه بگیر، بنده مومنی را آزاد کن و شصت مستمند را طعام بده» و در روایت ابن سعد است که فرمود: «دیه او را برای کسانی بفرست.» ابن ابی حازم می گوید: «سلیمان بن یسار را دیدم که با علی بن الحسین (ع) بین مرقد و منبر پیغمبر می نشستند و به مذاکره می پرداختند و چون می خواستند برخیزند، عبدالله بن ابی سلمه سوره ای را می خواند و پس از ختم سوره، دعا می کردند. گروهی چون عامر بن واثل، سعید بن مسیب، از صحابه و سعید بن جبیر، محمد بن جبیر، ابو خالد کابلی، قاسم بن عون، اسماعیل بن عبدالله جعفر از تابعین، شاگردان علی بن الحسین (ع) هستند.

آن به مکه می رفت. در میان راه، هیچ گاه آن شتر را نَزَد. کلینی می نویسد: ۲۲ بار بر پشت آن شتر حج کرد و هرگز شتر را آزار نرساند.

نپرداختن به غیر مسائل علمی و عبادت

«وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» [مؤمنون-۳] روگردانی از سخن یا کار بیهوده، از خصوصیات مومنان رستگار است. حسن بن حسن می گوید: مادرم فاطمه، دختر حسین بن علی (ع) مرا فرمود که با دایی خود علی بن الحسین (ع) همنشین باشم و از او بیاموزم. هیچ مجلسی با او نشستم، جز این که فایده ای از وی به من رسید. یا به خاطر ترسی که از خدا داشت، ترس خدا در دلم نشست یا از علم او بهره بردم.

احترام قائل شدن برای عالمان

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» [مجادله-۱۱] با آن که علم در خاندان سیدالسادین (ع) بود و آن را از پدران خویش، به میراث داشت، نزد کسانی که علمی داشتند، می رفت و با آنان می نشست و به آن ها حرمت می نهاد. روزی نافع بن جبیر به امام (ع) گفت: تو سید مردم عصر و فاضل ترین آنان هستی، چرا نزد علما می نشینی و با آن ها همکلام می شوی؟ امام سجاد (ع) فرمود: علم هر جا که باشد، باید آن را دنبال کرد. شیخ مفید می گوید: فقهای عامه، از علم امام چهارم (ع) داستان ها و روایت ها نوشته اند که به شمار نمی آید. شافعی، در رساله اثبات خبر واحد، می گوید: «علی بن الحسین، فقیه ترین مردم مدینه بود و از او موعظه ها و دعاها ضبط کرده اند که میان علما مشهور است.» حضرت امام زین العابدین (ع) مقام شامخ امامت را داشت؛ در خاندان وحی و رسالت پرورش یافت و



عَلَّمَ الْقُرْآنَ
عَلَّمَ الْقُرْآنَ
عَلَّمَ الْقُرْآنَ
عَلَّمَ الْقُرْآنَ
عَلَّمَ الْقُرْآنَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ